ترجمه

مشارق أنوار اليقين

في حقائق أسرار أمير المؤمنين عليه السلام

تأليف

الحافظ رجب بن محمد بن رجب البرسي الحلي

(المتوفى حدود ٨١٣ هـ)

تحقيق و تصحيح

ترجمه

لطيف راشدی - سعيد راشدی

فصل

همچنین در اسرار علی علیه‌السلام

از آن جمله روایتی است که در کتاب الواحدة وارد شده است می‌گوید: «امیر المؤمنین علیه‌السلام خطبه‌ای خواند و فرمود: «الحمد لله مدهر الدهور، و مالک مواضی الأمور، الذی کنّا بکینونیته، قبل خلق التمکین فی التکوین أولیین أزلیین لا موجودین، منه بدأنا و إلیه نعود، ألا إن الدهر فینا قسمت حدوده، و لنا أخذت عهوده، و إلینا ترد شهوده، فإذا استدارت ألوف الأطوار، و تطاول اللیل والنهار، فلا لعلامة العلامة دون العامة والسامة، الاسم الأضخم، العالم غیر المعلم، أنا الجنب، والجانب محمد، العرش عرش الله علی الخلائق، أنا باب المقام، و حجّة الخصام، و دابة الأرض، و صاحب العصر، و فصل القضاء، و سفینة النجاة، لم تقم الدعائم بتخوم الأقطار، و لا أعمدة فساطیط السجاف إلّا علی کواهل أمورنا، أنا بحر العلم، و نحن حجّة الحجاب، فإذا استدار الفلک، و قیل مات أو هلک، ألا إن طرفی حبل المتین، إلی قرار الماء المعین، إلی بسیط التمکین، إلی وراء بیضاء الصین، إلی مصارع قبور الطالقانیین، إلی نجوم یاسین، و أصحاب السین من العلیین العالمین، و کتم أسرار طواسین، إلی البیداء الغبراء، إلی حد هذا الثری، أنا دیّان الدین، لأرکبنَّ السحاب، و لأضربنَّ الرقاب، و لأهدمنَّ إرماً حجراً حجراً، و لأجلس علی حجر لی بدمشق، و لأسومنَّ العرب سوم المنایا، فقیل متی هذا؟ فقال: إذا مت و صرت إلی التراب، و سوّی علیّ اللبن و ضُربت علیّ القباب؛ حمد خدایی که ایجاد کننده‌ی روزگاران و مالک امور اجراشونده است. کسی که قبل از

آن که تمکین را در تکوین بیافریند؛ ما در کینونیت او اول و ازل بودیم و نه موجود، ما از او آغاز شدیم و به او بر می‌گردیم. بدانید که روزگار محدوده‌ی خود را در ما تقسیم کرده است، و تعهدات خود را برای ما گرفته است، شاهدان او به ما برمی‌گردند. پس وقتی هزاران دوران گذشت، شب‌ها و روزها به مدّت طولانی در پی هم آمدند، علامت دارای علامت نبود؛ مگر عامه و سامه، که اسم بزرگ است و بدون تعلم عالم است. من جنب بودم، محمد جانب بود، عرش فقط عرش خداوند بر مخلوقات بود، من باب مقام بودم، حجت بر دشمنان، جاندار زمین، صاحب دوران[1] و صاحب قضاوت نهایی بودم. کشتی نجات بودم، ستون‌ها در عمق سرزمین‌ها مستقر نشد و ستون‌های خیمه‌ها استوار نشد، مگر بر روی گردن امور ما، من دریای علم هستم و ما حجت حجاب هستیم. پس وقتی فلک می‌چرخید و گفته شد مُرد و یا هلاک شد؛ بدانید که دو طرف ریسمان استوار تا آب گوارا و تا عالم تمکین، تا پشت سفیدی چین، تا قبرستان اهل طالقان، تا ستاره‌های یاسین، تا اصحاب سین از علیین جهانیان، تا کتمان اسرار طس، تا صحراهای سر سبز، تا مرز این خاک امتداد دارد. من برپاکننده‌ی این دین هستم، سوار بر ابر خواهم شد و گردن‌ها را با شمشیر می‌زنم، و شهرها را آجر به آجر ویران می‌کنم، بر روی تکه سنگی در دمشق که متعلق به من است می‌نشینم، برای عرب سرنوشت هایشان را بیان می‌کنم.» گفته شد: «این اقدامات چه زمانی خواهد بود؟» فرمود: «وقتی که من بمیرم و به خاک بروم[2] و بر من لحد بگذارند و برای من گنبد درست کنند.»[3]

---

۱. در بحار صاحب عصا آمده است.

۲. اشاره به حدیث رجعت است.

۳. بحار الانوار؛ ج۴۱، ص۵؛ ح۵. با مقداری تفاوت نزدیک به آن در؛ ج۴۰، ص۵۵؛ ح۹۰. در ضمن یک حدیث طولانی از پیامبرﷺ.